

نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان*

اصغر اخوی^۱

جواد علی‌محمدی^۲

چکیده

انسان موجودی تربیت‌پذیر و قابل تغییر است. تربیت عبارت است از هدایت و رشد همه جانبه‌ی شخصیت فرد که شامل ابعاد مختلف جسمانی، شناختی، عاطفی، رفتار فردی و رفتار اجتماعی می‌شود.

در این مقاله نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان و برخی عوامل دخیل در آن از جمله دوستان، همسالان و انتخاب دوست مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. همچنین اهمیت و جایگاه خانواده و نیز ارتباط متقابل کودک و نوجوان با آن تحلیل، بررسی و توصیف شده است.

از دیدگاه اسلام (آیات و روایات) علاوه بر مهم شمردن نقش خانواده و سایر عوامل، نقش همسالان و دوستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نوع دوستان و همسالان و نوع اعتقاد، فرهنگ و رفتار آن‌ها در سعادت و شقاوت کودک و نوجوان مؤثر هستند. **کلیدواژگان:** نقش، خانواده، رشد، شخصیت، کودک، نوجوان، رفتار.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۶/۷

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۵

۱. استاد همکار جامعة المصطفی العالمیه: akhavi14@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی: mohammadi_0251@yahoo.com

مقدمه

نقش خانواده در شکل‌دهی و شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رفتار خانواده به خصوص اعتقادات و رفتارهای پدر و مادر به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان تأثیر گذاشته و نهادینه می‌شود. دین مقدس اسلام تفاهم و اخلاق حسنه، عفو و گذشت، صبر و تحمل، ایثار و فداکاری، سلامت روان و ایجاد آرامش را در خانواده مورد تأکید قرار داده است. اسلام به زن و مرد سفارش می‌کند به یک‌دیگر احترام بگذارند، صبر و عفو و گذشت داشته باشند و اخلاق اسلامی را رعایت کنند. تأکید اسلام و بزرگان دین بر سلامت خانواده به این جهت است که والدین اولین و مهم‌ترین الگوی فرزندان به‌شمار می‌روند. اگر پدر و مادر سالم و پاک نباشند، نمی‌توانند فرزندان سالم، پاک، خلاق و مؤمن تربیت کنند و به جامعه تحویل دهند. روان‌شناسان معتقدند کودک و نوجوان سالم و مطلوب از خانواده سالم و آگاه وارد جامعه می‌شود و می‌تواند در آینده تحولات بزرگی ایجاد نماید. محیط سالم خانواده، فضای بسیار مناسبی برای شکوفا شدن استعدادهای فکری، روحی و جسمی فرزندان است تا بتوانند به سعادت خود و اجتماع کمک کنند. در این مقاله سعی بر این است که نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان در بعد رفتار فردی و اجتماعی، از نظر روان‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی و با کمک آیات و روایات تحلیل و بررسی گردد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اهمیت نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان، لازم است در مورد روش‌ها و راه‌کارهای تربیتی خانواده در مراحل شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان، تحقیق وسیعی انجام شود. اگر طبق شناخت و تعریف مطلوب خانواده راه‌کارها و روش‌های مطلوب اصلاح و تغییر در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان انجام شود، نتیجه‌ی مطلوب به‌دست می‌آید. با توجه به اهمیت موضوع تربیت کودک و نوجوان و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها به صورت مطلوب، بررسی‌های تخصصی و تحلیل منطقی ضرورت دارد.

سابقه تحقیق

با بررسی‌های انجام شده در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، تحقیقات و مقالات در خصوص نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان عنوان مذکور به صورت مستقل یافت نشد. در کتاب‌های روان‌شناسی و تربیتی نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان مطرح شده است، اما کلی و ناقص بوده و بررسی‌های لازم صورت نگرفته است. از این رو راه کارهای لازم و به روز بحث و بررسی نشده است تا حلال مشکلات خانواده‌ها و جامعه‌ی پیچیده در عصر حاضر باشد.

با توجه به این که عصر حاضر عصر ارتباطات و اینترنت است ارائه راه کارهای تخصصی و به روز برای شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان لازم است. کار تربیتی در عصر پیچیده‌ی امروز به مراتب سخت‌تر از گذشته است، لذا به کارگیری ابزارهای جدید مثبت و مطلوب در مقابل ابزارهای منفی، برای اصلاح و تغییر رفتار و شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان لازم است. در این جا به برخی از نمونه آثار تالیف شده در این حوزه ها اشاره می‌شود:

۱. رشد شناختی، مؤلف: جان اچ فلاول، ترجمه: فرهاد ماهر.

در این کتاب در مورد رشد شناختی، روندهای تحولی کودک و نوجوان، شناخت اجتماعی و رشد شناختی اجتماعی بحث‌هایی مطرح شده است، اما بحث و بررسی‌ها ناقص و پراکنده بوده و به نقش خانواده، محیط و ... در بعد رفتاری به صورت کم‌رنگ اشاره شده است.

۲. نظریات کاربردی تربیت کودکان، مؤلف: آلفرد آدلر، ترجمه: محمد

حسین سروری.

در فصل هشتم و فصل چهاردهم این کتاب با عنوان «کودک در خانواده، تربیت والدین» به صورت کلی نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک مورد کنکاش قرار گرفته است.

۳. رشد و شخصیت کودک، مؤلف: پاول هنری ماسن و دیگران، ترجمه:

مهشید یاسایی.

فصل دوازدهم و چهاردهم به نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان تحت

عنوان روش‌های فرزندپروری، الگوها و شیوه‌های رفتاری والدین، انواع رفتارهای والدین، تغییر نگرش فرزندان و... اشاره دارد اما بحث‌ها کلی و پراکنده است.

۴- پرورش هوش هیجانی در کودکان، مؤلف: جان گاتمن، ترجمه: حمیدرضا بلوچ.

در این کتاب سبک‌های چهارگانه فرزندپروری شامل: والدین بی‌توجه، والدین ناراضی، والدین آسان‌گیر و والدین مربی هیجان مورد مطالعه قرار گرفته است. کتاب به بررسی مراحل پرورش هیجان، نقش مهم پدر، پرورش هیجان هم‌پای رشد کودک از دوران طفولیت تا دوازده سالگی و دوران نوجوانی می‌پردازد. اگرچه مطالب مفیدی در مورد نقش خانواده وجود دارد اما به شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان، توجه لازم صورت نگرفته است.

هدف تحقیق:

هدف مقاله، بررسی نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان در ابعاد فردی و اجتماعی می‌باشد.

اهداف فرعی:

۱. بررسی ارتباط متقابل رفتار فردی و اجتماعی؛
۲. بررسی اهمیت و جایگاه بعد رفتاری؛
۳. بررسی ارتباط متقابل کودک و نوجوان با بعد رفتاری.

سوالات تحقیق:

۱. سؤال اصلی
نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان چیست؟
۲. سوالات فرعی
۱-۲ نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتار فردی، شخصیت کودک و نوجوان چیست؟
۲-۲ خانواده چه نقشی در شکل‌گیری بعد رفتار اجتماعی شخصیت کودک و نوجوان دارد؟

روش تحقیق

در این مقاله برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و در مجموع روش تحقیق از دوروش توصیفی و تحلیلی بهره گرفته است.

مفاهیم

۱. شخصیت

شخصیت در لغت عبارت است از: شرافت، رفعت، بزرگواری، مرتبه و درجه، صاحب وجودی، وجود، منش، ملاطفت و نجابت (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۷).

شخصیت در اصطلاح عبارت است از: مجموعه‌ای از جنبه‌های بدنی، عادت، تمایلات، حالات، افکار، نظریات، استعدادها و حالات و رفتار هر فرد که به صورت خصوصیات و صفاتی نسبتاً پایدار درآمده و به عنوان یک کل و واحد عمل می‌کند (اکرم (گیتی) حیدری، ۱۳۷۲، ص ۹).

۲. کودک

کودک در لغت عبارت است از: کوچک، صغیر. فرزندى که به حد بلوغ نرسیده باشد. طفل، بچه، ولید، صبی، صبیبه (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۷).

تعریف کودک از نظر فقها و علمای حقوق:

علمای حقوق می‌گویند: «پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است. به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود بدون این که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد. اگر قبل از بلوغ به حدی برسد که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیز گویند» (محمد جعفر لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵۲).

تعریف کودک از نظر حضرت امام خمینی رحمته الله علیه:

«صغیر کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد. این شخص از تصرفات در اموال خود ممنوع خواهد بود. در ادامه می‌فرماید: «هرچند که در کمال تمیزی و رشد باشد و تصرفاتش در نهایت سود و صلاح صورت گیرد. چنین شخصی از نظر فقها کودک تلقی می‌گردد» (روح الله الموسوی الخمینی (ره) ۱۴۰۸ق، ص ۱۲).

۳. نوجوان

نوجوانی دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی که در همه‌ی زمینه‌های زیستی-روانی، رفتاری-اخلاقی و اجتماعی تغییراتی ایجاد می‌شود و در این دوره نوجوانی با مشکلات رفتاری، تعارض‌ها، بحران‌ها از جمله بحران بلوغ و هویت روبرو می‌شود (سبحانی‌فرد، سال تحصیلی ۹۲-۹۱).

تعریف نوجوانی از نظر دایره‌المعارف بریتانیکا:

نوجوانی اغلب عبارت است از: «دوره‌ی بین بچگی و بزرگسالی که بعضی از مؤلفین نوجوانی را مساوی با بلوغ جنسی و دوره تغییرات فیزیکی می‌دانند که اوج آن در تکامل و رسیدگی در تولید مثل است، اما اغلب نوجوانی را با مفاهیم روانی و اجتماعی تعریف می‌کنند. برای مثال: شروع آن با بلوغ جنسی و خاتمه‌ی مبهم و نامشخص آن با بزرگسالی است» (محمدرضا شرفی، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

بخش دوم: عوامل مؤثر در رشد شخصیت کودکان و نوجوانان

در رشد و تکامل کودکان و نوجوانان، عوامل زیادی مؤثر هستند، میزان تاثیر این عوامل به میزان توانایی و درک کودک و نوجوان از اهمیت این عوامل بستگی دارد. بنابراین مطالعه و تحقیق در عواملی که در رشد و تکامل شخصیت کودک و نوجوان مؤثر هستند، ضروری است.

روانشناسان درباره‌ی انواع عواملی که در رشد شخصیت تأثیر دارند اختلاف نظر دارند. برخی از روان‌شناسان به عوامل طبیعی و بیولوژیک و گروه دیگر فقط به عوامل اجتماعی اهمیت می‌دهند ولی اصل مسلم این است که شخصیت هر فرد، نتیجه هم‌کاری و تعامل و تفاعل همه‌ی عوامل نام برده است (شعاری‌نژاد، روان‌شناسی رشد، ۱۳۷۸، ص ۶۰۷).

عوامل مؤثر در رشد شخصیت کودک و نوجوان، تحت سه عنوان مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از: عوامل شخصی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی. عوامل شخصی شامل غدد داخلی، بدن، بهداشت، وراثت، پوشاک، نام کودک و نوجوان، هوش، تجارب اولیه و سطح آرزو می‌شود. عوامل اجتماعی شامل محیط مدرسه و محیط اجتماعی عمومی می‌گردد. عوامل خانوادگی شامل مادر، پدر، شرایط زندگی خانوادگی، شرایط اقتصادی و اجتماعی می‌شود (همان، ص ۶۲۶).

تمام عوامل نامبرده به نحوی در رشد شخصیت کودک و نوجوان تاثیر دارند که در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود.

۱. عوامل شخصی

ترشحات غده های داخلی که هورمون نامیده می شود در رشد و تکامل فرد مؤثرند. هورمون ها سبب هوشیاری یا تنبلی، شتاب زدگی یا خونسردی، خودداری یا آشفتگی هیجانی می شوند. به طور کلی تأثیر زیادی در رشد شخصیت دارند. برای مثال تیروکسین که از غده تیروئید مترشح می شود، فعالیت عصبی و عضلی را تعدیل می کند و در چگونگی حالات هیجانی مؤثر است (همان).

۲. عوامل خانوادگی

به عقیده برخی از روان شناسان، شخصیت افراد بیش از آن که به زن ها مربوط باشد به پرستاران و سرپرستاران ایشان بستگی دارد و نخستین سرپرست کودک و نوجوان مادرش است. مادر در دو مرحله بر شخصیت کودک اثر می گذارد. اول: در دوره جنینی که هرگاه مادر حامله و باردار دچار اضطراب و هیجان شود، جنین بسیار فعال می شود و این رفتار ممکن است مدت ها ادامه داشته باشد. وقتی مادر دچار ترس یا عصبی شود، غده های درون ریز، مخصوصاً آدرنالین فعال می شوند و ترشحات آن ها به وسیله جفت به جنین منتقل می شوند و تجربه ثابت کرده است که این آثار نیز به نوزاد انتقال می یابد. دوم: بعد از تولد که شخصیت و رفتار مادر مستقیماً روی شخصیت کودک اثر خواهد گذاشت (همان، ص ۶۱۱).

معمولاً در کتاب های روان شناسی و تربیتی، بیشتر از نقش تربیتی مادر سخن به میان آمده و مورد بررسی قرار گرفته است. آیا نقش تربیتی پدر کم تر از مادر است؟ جواب این است که نقش تربیتی پدر به هیچ وجه کم تر از مادر نیست. روان شناسان رشد در این زمینه می گویند: «مطالعاتی که اخیراً به عمل آمده است، نشان می دهد شخصیت و نقش پدر در رشد و تکامل شخصیت کودک از مادر کم تر نیست» (همان، ص ۶۱۲). به خصوص درباره ی فرزندان پسر که حضور پدر در خانه اهمیت خاصی دارد. کودکانی که غالباً پدران شان در خانه نیستند، کم سازگار می شوند، کم تر صفت مردانه دارند و روابط دوستانه شان بسیار نامناسب است در مقایسه با کودکانی که پدران شان

در خانه هستند. مسأله مهم دیگر، این قبیل پسران از همانندسازی با هم‌جنس محروم می‌شوند زیرا معمولاً می‌خواهند رفتارشان را به شکل رفتار هم‌جنس خود در آورند. پسر از پدر و دختر از مادر تقلید می‌کند. البته این همانندسازی بیشتر به‌طور ناخودآگاه انجام می‌گیرد (همان).

۳. شرایط اقتصادی، اجتماعی

شرایط مالی و موقعیت اجتماعی والدین نیز بر رشد شخصیت کودک و به‌خصوص شخصیت نوجوان بسیار تأثیر دارد. وقتی نوجوان در میان دوستان و هم‌سالان خود لباس مناسب نداشته باشد، در مدرسه خوراک مناسب نداشته باشد و یا پول کافی برای خرید نداشته باشد، از لحاظ روحی و روانی خرد و تحقیر می‌شود و در جمع دوستان خود احساس حقارت می‌کند.

روان‌شناسان معتقدند شرایط مالی و اجتماعی خانواده به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در رشد و تکامل شخصیت کودک مؤثر است. کودکی که تمام وسائل زندگی و ارضای امیال برایش فراهم است در سازگاری اجتماعی کم‌تر دچار اشکال می‌شود و در نتیجه رشد شخصیت خوبی خواهد داشت ولی کودکی که از این نعمت محروم است همواره خود را حقیر و ناقص می‌پندارد. همین اهمیت تأثیر خانواده در رشد شخصیت کودک، سبب شده که روان‌شناسان توصیه کنند، خانواده و مدرسه باید در آموزش و پرورش کودک با یک‌دیگر صمیمانه همکاری کنند و هر اندازه فاصله و جدایی میان این دو محیط بیشتر باشد به همان میزان موفقیت در تربیت کودک کم‌تر خواهد بود (همان، ص ۶۱۳).

۴. شخصیت سالم

انسان در طول تاریخ سعی کرده خود را کامل کند. انسان قادر است در کمال و خوبی به مراتب از دیگر موجودات پیشی گیرد.

یکی از تفاوت‌های اساسی انسان با سایر موجودات این است که انسان دارای قوه عاقله است. عقل انسان را به‌سوی پیشرفت‌هایی در زندگی شخصی و اجتماعی هدایت می‌کند و انسان توسط عقل به جهان اطراف خود معنا می‌بخشد و توانایی ارتباط با دیگران را توسط تعقل و تفکر دارا می‌باشد و این ارتباط فعلیت پیدا می‌کند.

روان شناسان در این زمینه می‌گویند:

یکی دیگر از صفات منحصر به فرد انسان این است که هیچ‌گونه راه‌گزینی برای تجربه عالم هستی و یا اعمال خویش ندارد. وی بیش از هر مخلوق دیگر مقلّدی است که از الگوهای موجود در دسترس خود تقلید می‌کند و مبتکری است که راه‌های تازه را کشف می‌کند (سیدنی جوراد، تدلاند سمن، ترجمه فرهاد منصف، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

سالم بودن شخصیت کودک و نوجوان مربوط به خانه و خانواده می‌باشد. رفتار والدین، نوع تربیت و آگاهی والدین از شخصیت تا چه حدی باید باشد تا بتوانند کودک و نوجوان خود را به صورت صحیح راهنمایی کنند و شخصیت سالمی برای آن‌ها ایجاد کنند. شکل‌گیری شخصیت در خانواده پی‌ریزی می‌شود و بعد در سایر محیط‌ها به خصوص در مدرسه پرورش داده می‌شود و به تدریج شاکله می‌شود.

روان‌شناسان معتقدند کودکان دارای شخصیت سالم هستند که هدف‌های واقعی را دنبال می‌کنند. آن‌ها می‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند و شیوه اعمال‌شان از لحاظ اجتماعی مورد پذیرش است. یکی دیگر از خصایص شخصیت سالم کودک، رغبت اجتماعی او است که به دیگران به همان اندازه خودش توجه دارد. می‌تواند دیگران را دوست بدارد و با دیگران هم‌دردی می‌کند و به خود اعتماد دارد و می‌تواند مسئولیتی به عهده بگیرد (براون، کارول، ۱۳۹۳، ص ۶۰۴).

شخصیت انسان به‌طور غیر مستقیم تحت تاثیر تخلیه هیجانی قرار دارد. تخلیه هیجانی و یا تخلیه روانی برای سلامت شخصیت لازم است. تخلیه هیجانی یا تعادل و کنترل هیجان‌ها باعث تنظیم تعادل حیاتی می‌شود. کودک یا نوجوان در هنگام مواجهه با مشکلات اگر در خانواده‌ی سالم باشند و والدین با آن‌ها رابطه صمیمی داشته باشند، می‌توانند به راحتی مشکلات‌شان را مطرح کنند و راهنمایی شوند تا مشکل‌شان برطرف شود. در این صورت دو کار به صورت هم‌زمان انجام می‌شود، یعنی کودک یا نوجوان با مطرح کردن مشکل خود در حضور پدر یا مادر هم تخلیه روانی می‌شود و احساس سبکی می‌کند و اعتماد به نفسش بالا می‌رود و هم این که راه حل مشکل را والدین به او نشان می‌دهند و یاد می‌گیرد که چگونه با مشکل کنار بیاید و تحمل کند و برای او طبیعی و عادی جلوه می‌کند. اگر کودک و نوجوان در خانواده‌ای سخت‌گیر و بهانه‌گیر باشد، در این

صورت تخلیه روانی انجام نمی‌شود بلکه مشکل نوجوان بیشتر می‌شود، چون وقتی هیجان‌های نوجوان به صورت صحیح مدیریت نشود و راهنمایی نشود، به تدریج تبدیل به عقده می‌گردد که عواقب خطرناکی در پی دارد.

البته سخت‌گیری در برخی موارد با روش‌های معقول لازم است، هرکس نمی‌تواند به گونه‌ی زندگی کند که با تنش هیجانی مواجه نشود. فرد واقع‌بین یاد می‌گیرد تا در مواجهه با مشکلات زندگی، واقع‌گرا بوده و در برابر ناملایمات زندگی صبور باشد و بداند در مواقع خاص او هم حق دارد عصبانی شود یا بترسد بدون این‌که احساس گناه یا شرمساری کند.

بنا به گفته هلیگارد، اگر به فردی ضربه عاطفی وارد شود و او در مقابل این تنش هیجانی، صبر پیشه کند با آرامش و به دور از اضطراب، بین بروز حالت هیجانی و کنترل آن تعادل برقرار کند از آرامش روان برخوردار است. او این مشکلات و ضربه‌های هیجانی را عادی تلقی می‌کند و رفتار متناسب با عرف جامعه از خود بروز می‌دهد (الیزابت بی، هارلوک، ترجمه؛ پرویز شریفی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳).

پدر و مادری که از کودک و به‌خصوص از نوجوان فاصله دارند و ارتباط عاطفی و رفاقت با نوجوان برقرار نکنند، در کار تربیت و شکل‌گیری شخصیت به‌صورت مطلوب موفق نمی‌شوند، چون نوجوان وقتی که می‌بیند پدر و مادر و یا هر دو به شخصیت او احترام نمی‌گذارند و با او محبت نمی‌کنند و مشورت نمی‌کنند و با او هم‌صحبت نمی‌شوند و از مشکلات او نمی‌پرسند و نیازهای ضروری او را برطرف نمی‌کنند و گاهی با او شوخی و خنده ندارند، نا امید می‌شود، احساس تنهایی می‌کند، افسرده می‌شود، گاهی در بیرون به دنبال محبت دیگران می‌رود و در نتیجه تخلیه روانی و تخلیه هیجانی انجام نمی‌شود و عقده ایجاد می‌گردد و در نتیجه مشکل روحی و روانی او بیشتر می‌شود.

هلیگارد روان‌شناس شخصیت می‌گوید: تخلیه هیجانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم باعث تنظیم تعادل حیاتی می‌شود. تأثیرات مستقیم تخلیه هیجانی باعث آزاد شدن هیجان‌های سرکوب شده فرد می‌شود و تعادل فیزیکی و روانی فرد تنظیم می‌شود. به علت تنظیم تعادل حیاتی، وضعیت روانی فرد متعادل شده و در نتیجه دید او نسبت به خودش و مشکلاتش واقع‌بینانه‌تر خواهد بود.

شخصیت فرد به طور غیرمستقیم تحت تأثیر تخلیه هیجانی است. یعنی فرد طوری رفتار می کند که رفتار شایسته‌ی از سوی افراد جامعه متوجه او می شود. با تخلیه هیجانی که شامل تخلیه فیزیکی و روانی است، به طور غیرمستقیم سلامت شخصیت فرد حفظ می شود و فردی که از شخصیت سالم برخوردار است، رفتار اجتماعی درستی هم خواهد داشت (همان).

بخش سوم: رشد اجتماعی در دوره کودکی و نوجوانی

الف: رشد اجتماعی در دوره کودکی

رشد هیجانی و اجتماعی کودکان ۶ سال به بالا بستگی به نوع و سبک تربیتی خانواده دارد. یکی از شیوه‌های تربیتی در راستای اجتماعی شدن کودکان، وضع قوانین خانوادگی است که باید همه رعایت کنند، اما کودکان علاوه بر رعایت قوانین و تشویق آن‌ها بر رعایت قوانین خانوادگی، باید پدر و مادر علت و فواید و چرایی آن قوانین را نیز برای کودکان توضیح دهند، چون کودکان تا علت رعایت قوانین را ندانند دچار مشکل می شوند و سؤال‌شان این است که چرا باید قوانین در خانه رعایت شود و اگر رعایت نشود چه مشکلی پیش می آید.

روانشناسان قوانین خانوادگی را بسیار مهم می دانند. کودکان باید رعایت قوانین در خانه را یاد بگیرند تا کم کم زمینه اجتماعی شدن‌شان فراهم شود تا این که در مدرسه و جامعه نیز قوانین را رعایت کنند. روانشناسان می گویند: قوانین خانوادگی باید برای کودکان واضح و روشن باشد و مشخص شود به نحوی که آن‌ها به رهنمودها و مرزها پی ببرند. به عبارت دیگر، کودکان بدون درک علت آن قوانین دچار مشکل می شوند (ماریانا کتی، ترجمه: مژگان حیاتی، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

۱. گروه‌های هم‌سالان، کودکان ۷ تا ۱۱ سال

در این دوره میل کودکان به گروه هم‌سالان به شدت افزایش می یابد. آن‌ها زمانی که از هم‌سالان خود دور هستند، احساس دل‌تنگی می کنند و زمانی که با آن‌ها هستند به شور و شغف می آیند. طبق اظهار نظر روان‌شناسان رشد، در سرتاسر دوره کودکی دوّم، میل به ارتباط با گروه هم‌سالان، به طور فزاینده‌ای وجود دارد و این نیاز به طور یک‌سان در دختران و پسران دیده می شود (سوسن سیف و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۲۷۳).

۱-۱ دوستی در دوران کودکی

دوستی‌های کودکان در این دوره عبارت‌اند از:

الف) هم‌بازی بودن؛ از مهم‌ترین انگیزه‌های دوستی کودکان در این دوره، هم‌بازی بودن آنان با یک‌دیگر است. هم‌بازی بیش‌تر از جنس و سن او برای کودکان مهم است. کودکان به ویژه پسران ترجیح می‌دهند که هم‌بازی‌های آن‌ها از جنس خودشان باشند (همان، ص ۲۷۶).

ب) رفیق بودن؛ در این دوره معنای رفیق از معنای هم‌بازی عمیق‌تر و گسترده‌تر است. کودک علاوه بر هم‌بازی داشتن، انتظارات دیگری نیز از رفیق دارد. با او تبادل نظر می‌کند و به رازگویی و درد دل می‌پردازد و ارتباط بیش‌تری برقرار می‌کند. عوامل متعددی در انتخاب رفیق و هم‌بازی در این دوره اثر می‌گذارد، به‌طور کلی کودکان در این دوره هم‌بازی و رفقای خود را از بین کسانی انتخاب می‌کنند که با آن‌ها هم‌جنس هستند و از یک سطح رشد برخوردارند و علایق و ارزش‌های مشابه دارند (همان، ص ۲۷۷).

۱-۲. روابط خانوادگی

در این دوره، در ارتباط کودک با والدین و سایر اعضای خانواده، تحول و تغییراتی به‌وجود می‌آید. روان‌شناسان معتقدند در تغییر روابط خانوادگی در این دوره، عوامل متعددی را می‌توان مؤثر دانست که مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: بالا رفتن انتظارات والدین و تغییر نگرش کودکان نسبت به والدین. کودک قبل از ۷ سالگی، والدین خود را یگانه الگوی مورد پذیرش قرار داده بود ولی در این دوره با مطالعه کتب و تماشای فیلم‌های تلویزیون و ارتباط گسترده با هم‌سالان و والدین آن‌ها مفاهیم مطلوبی از پدر و مادر در ذهن خود می‌سازد (همان، ص ۲۷۹).

به‌طور کلی رفتار کودکان و فعالیت آن‌ها در مدرسه، در جامعه و در ارتباط با هم‌سالان و دیگران و میزان توفیقات کودکان بستگی به ارتباط خانوادگی آن‌ها دارد. والدین شاد و پرحرف، تأثیر مثبت بر روحیه کودکان خود می‌گذارند و باعث می‌شوند کودکان و فرزندان‌شان در مدرسه شاد و فعال باشند و والدین کم حرف و افسرده و عقده‌ای تأثیر منفی بر کودکان خود می‌گذارند، به‌خصوص اگر مشاجره و جنگ و دعوا در خانه در حضور کودکان زیاد باشد. کودکان چنین خانواده‌هایی، کم‌رو و خجالتی بار می‌آیند و گاهی دیده می‌شود در مدرسه یا در اجتماع منزوی هستند و چندان به بازی

با هم‌سالان علاقه ندارند و بعضی از این کودکان در تحصیل نیز موفق نیستند چون موفقیت در تحصیل، بدون شادی و نشاط امکان‌پذیر نمی‌باشد. کودکان شاد و با انرژی و فعالی که از خانواده سالم و شاد انرژی می‌گیرند، می‌توانند در مدرسه فعال و موفق باشند. در بازی‌ها شرکت می‌کنند و درس را با حواس جمع و با تمام توان هوشی گوش می‌دهند و یاد می‌گیرند چون آرامش دارند و در خانواده محبت می‌بینند و از محبت والدین و از تشویقات و عواطف والدین سیراب می‌شوند.

روانشناسان معتقدند نحوه کار کردن در محیط مدرسه تا اندازه زیادی به روابط خانوادگی کودکان مربوط می‌شود. روابط خانوادگی شاد و صمیمی، کودک را در انجام دادن کارها با موفقیت بیشتری روبه‌رو می‌سازد و انگیزه هر کاری را در او تقویت می‌کند. در حالی که در روابط خانوادگی سرد و غیرصمیمانه، دلیل مهمی برای تنش‌های عاطفی در کودک است و اثر تعیین‌کننده‌ای بر توانایی‌های کودک در تمرکز و یادگیری می‌گذارد. روابط خانوادگی اثر مستقیمی بر سازگاری اجتماعی کودکان در محیط بیرون از خانه می‌گذارد و زمانی که این روابط مناسب و مطلوب باشد، سازگاری اجتماعی کودکان با افراد بیرون از خانه بهتر است (سوسن سیف و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۲۸۰). ایفای نقش در خانواده، الگوی خوبی برای تنظیم و به عهده گرفتن نقش در محیط خارج از خانه است. نوع روابطی که کودک با خواهران و برادران خود دارد، اساس و پایه روابط آن‌ها را با هم‌سالان‌شان در بیرون از خانه شکل می‌دهد. خلاقیت و ابتکار یا دنباله‌روی و عدم خلاقیت کودکان، تا حدود زیادی تحت تأثیر روابط خانوادگی آن‌هاست. شیوه تربیت کودک در محیط خانه در ایفای نقش کودکان در این دوره اثر مستقیمی بر جای می‌گذارد (همان).

ب : عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی نوجوان

اجتماعی شدن برای انسان ضروری است چون انسان فاقد غرایزی است که رفتارهای خاصی را برای موقعیت‌های ویژه‌ای مشخص می‌کند. فرایند اجتماعی شدن نوجوانان از طریق تأثیر والدین، رسانه‌های گروهی، هم‌سالان، مدرسه و مذهب صورت می‌گیرد. اجتماعی شدن یک فرایند همیشگی است اما در دوران کودکی و نوجوانی به علت انعطاف‌پذیری نسبی در رشد، اهمیت ویژه‌ای دارد در اینجا به دو مورد از عوامل مؤثر بر رشد و تکامل اجتماعی نوجوانان اشاره می‌شود.

۱. والدین

نوجوانان نیاز دارند از نظر عاطفی و مالی مستقل از والدین باشند و به یک هویت مستقل دست یابند و ارزش‌های خود را حاکم سازند. تعارض میان نوجوان و والدین شروع می‌شود اما این تعارض‌ها یا تضادها بین افرادی پدیدار می‌شود که سابقه طولانی از کشمکش با هم داشته باشند. در بیشتر موارد وجود پیوندهای عاطفی صمیمانه، تعارض‌ها را تحت کنترل درآورده و موجب برقراری احساسات مثبت می‌شود (اسماعیل بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۹۳).

البته اختلاف بین نوجوان و والدین بستگی به روش‌های تربیتی و شیوه فرزندپروری والدین و مسائل عاطفی و اقتصادی در خانواده دارد. اگر والدین روش‌های تربیتی و شیوه‌های فرزندپروری را بدانند و آگاهی از راه‌کارهای تربیتی داشته باشند، بدون تردید اختلاف با کودکان و نوجوانان به حداقل می‌رسد و یا به‌طور کلی می‌توانیم بگوییم اختلافی وجود نخواهد داشت چون بعضی اختلافات جزئی، طبیعی است و مربوط به سلائق افراد می‌شود. در صورتی که والدین، شیوه‌های تربیتی را بدانند و خودشان هم عمل کنند، اختلافی که تبدیل به بحران شود و بین والدین و نوجوان فاصله ایجاد کند، هرگز پیش نمی‌آید. چون زمینه‌های فاصله و اختلاف، عدم آگاهی والدین از روش‌های تربیتی و کمبود محبت و عاطفه است. اگر والدین هم از روش‌های تربیتی نسبتاً آگاهی داشته باشند و رعایت کنند و هم خودشان در بین خود محبت و عاطفه داشته باشند و از مشاجره‌های لفظی و جنگ و دعوی زن و شوهری پرهیز کنند، می‌توانند با نوجوان خود منطقی و با محبت باشند و توجه جدی به درس و مدرسه و برنامه‌های تربیتی نوجوان داشته باشند.

از نظر روان‌شناسان پدر و مادر اولین کسانی هستند که بنیاد شخصیت سالم نوجوان را می‌گذارند. معمولاً والدین، نوجوانان خود را به صورت کودک می‌نگرند. درک نکردن نوجوانان باعث کشمکش بین آنان و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانواده اظهار نظر کنند و افکار و عقاید و اعمال اعضای خانواده خود را مورد سؤال قرار دهند. نوجوان در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کند. یک نوجوان در خاطرات خود می‌نویسد، دوست ندارم که به من دستور بدهند، مخصوصاً اگر این دستور آمرانه باشد، اگر دستور دهنده مادرم باشد گوش نمی‌دهم، وقتی دستور دهنده برادر بزرگم باشد ناچارم که اجرا کنم وگرنه

کشیده ای خواهام خورد (احمد احمدی، ۱۳۸۲، ص ۴۵).

حدود ۸۰ درصد از نوجوانان کارگر در نمونه‌ای در اصفهان، ابراز داشته‌اند که پدر و مادر خود را دوست دارند ولی متأسفانه از جانب والدین خود مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و والدین آنان را درک نمی‌کنند. همین درک نکردن باعث مخالفت آنان با والدین خود می‌شود. نوجوانانی که والدین خود را دوست می‌داشتند، در مقابل دستور والدین ۵۷ درصد از نوجوانان دانش آموز و ۸۵ درصد از نوجوانان کارگر از روی میل اطاعت می‌کردند و ۳۱ درصد از نوجوانان دانش آموز و ۱۰ درصد از نوجوانان کارگر دستورات والدین را با بی‌میلی انجام می‌دادند (همان، ص ۴۶).

۲. مشاوره خانوادگی

خانواده‌هایی که از شیوه تربیتی و اخلاقی نوجوانان آگاهی کافی و لازم ندارند، مشاوره یکی از راه‌هایی است که می‌توان مشکلات خانوادگی آن‌ها را حل کرد و یا به حداقل رساند.

اکثر روان‌شناسان معتقدند دوران کودکی و نوجوانی، مهم‌ترین زمان شکل‌گیری شخصیت است. از حجم ذخیره‌های موروثی خانوادگی گذشته، سال‌های عمر که در اختیار خانواده است منشأ بروز بسیاری از عادت‌ها و خصوصیات اکتسابی می‌باشد که ممکن است سعادت و عزت همه‌ی عمر یک فرد را تضمین کنند یا نکبت و مذلت بار آورند. تأثیرپذیری انسان در دوران کودکی بیش از دیگر مراحل زندگی است. به این سبب در مجموعه عوامل سازنده شخصیت‌ها نقش خانواده مهم و قابل توجه جلوه می‌کند. خانواده به نخستین و مناسب‌ترین مرحله نقش‌پذیری کودک و نوجوان دسترسی دارد. شخصیت کودک و نوجوان در مراحل اولیه رشد، هنوز شکل نگرفته و آماده قبول است. مقلد و مطیع است و آن‌چنان مقاوم و سخت‌گیر نیست. از آلودگی‌ها و مکتبات محیطی نسبتاً مبرا است و به تجربه و آموختن نیاز دارد، دیگران را معمولاً برتر از خود می‌بیند و می‌پندارد و در اکثر زمینه‌های خلق و رفتار هنوز اسیر عادت نیست. مستعد فراگیری و چون ظرف تهی است که آن را با هر مظلوفی می‌توان پر کرد (محمدطاهر معیری، ۱۳۷۸؛ ص ۹۹).

این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که در مجموعه مسئولیت‌های خانواده، تربیت فرزند از همه مهم‌تر و شامل دگرگونی‌های نخستینی است که خمیرمایه شخصیت فرزندان را تشکیل می‌دهد. بخش قابل توجهی از تربیت هر فرد در نقش‌پذیری دوران کودکی وی نهفته است و این به

اهمیت نقش خانواده در مسأله تربیت باز می‌گردد، به همین دلیل است که برداشت عمومی جامعه (خوب و بد) هر فرد را در تربیت خانوادگی جستجو می‌کند (همان).

۳. هم‌سالان و دوستان

یکی دیگر از عوامل بسیار مؤثر در رشد و تکامل نوجوان، دوستان و هم‌سالان اوست که افکار و رفتارشان بر هم‌دیگر تأثیر می‌گذارد. این تأثیر آن قدر جدی و قوی است که در دین مقدس اسلام بر انتخاب دوست و رفیق تأکید شده است که والدین سعی کنند و مراقب باشند که با چه خانواده‌هایی ارتباط دارند. خانواده‌هایی که قیدوبند دینی و مذهبی ندارند، تربیت نوجوانان شما را به خطر می‌اندازند. یعنی نوجوانان از آن‌ها یاد می‌گیرند، بی‌بند و باری و بزه‌کاری را و همین‌طور در دین مبین اسلام تأکید شده است که نوجوانان دوستان خوب و مذهبی انتخاب کنند. قال رسول الله ﷺ «المرء علی دین خلیله و قرینه» (محمد بن حسن حرعاملی، ۱۴۰۹ق. ص ۲۰۷).

رسول خدا ﷺ فرمودند: «روش آدمی بر طریق مذهب و سیره دوست صمیمی و رفیق دل‌بندش خواهد بود» و در جای دیگر می‌فرماید: «المرء علی دین خلیله فلینظر أحدکم من یخالل» (محمد بن حسن طوسی، ترجمه: حسن‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۵۱۸).

رسول گرامی اسلام فرمود: آدمی بر آیین دوست خود است، پس بنگرید با که دوستی می‌کنید. طبق فرمایش رسول اکرم ﷺ انسان بر دین و روش دوستان خود مشی می‌کند، یعنی اعتقاد و رفتار و افکار دوستان بر هم‌دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد. در آیات و روایات فراوان از ارتباط و دوستی با افراد بزه‌کار و ناباب نهی شده است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾ (ممتحنه، آیه ۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، شما به آنان اظهار محبت می‌کنید درحالی که آن‌ها به آن‌چه از حق برای شما آمده است کافر شده‌اند».

روان‌شناسان نیز تأکید بر انتخاب دوست خوب و مثبت دارند که بر رشد و تکامل شخصیت نوجوان تأثیر می‌گذارد. ارتباط با دوستان خوب و مثبت باعث می‌شود شخصیت نوجوان به صورت مثبت شکل بگیرد و شاکله‌ی او به صورت مطلوب ساخته شود.

یکی از نیازهای اساسی برای اجتماعی شدن نوجوانان، رشد مهارت‌های اجتماعی است که رشد همه جانبه شخصیت است.

بر اساس نظر روان‌شناسان تربیتی، رشد مهارت‌های اجتماعی یکی از لوازم رشد همه جانبه‌ی شخصیت است. در رشد اجتماعی نوجوان سه گروه تأثیر دارند: ۱- اشخاص صاحب قدرت و ذی نفوذی که قواعد و رسوم را به نوجوان تحمیل می‌کنند و اگر نوجوان به این قواعد و رسوم گردن نهاد به او پاداش می‌دهند. ۲- اشخاصی که سرمشق رفتار و کردار نوجوان واقع می‌شوند و او می‌تواند از رفتار آنان تبعیت کند. ۳- مصاحبانی که واکنش مساعد یا نامساعدشان در حکم پاداش و کیفر برای نوجوان است (ل، ج، کرانباخ، ۱۳۵۱، ص ۱۳۹).

دوستی‌ها در دوران بلوغ و نوجوانی، باعث تجاربی می‌شود که در توسعه شخصیت نوجوان نقش مهمی دارد. این تجارب باعث دوستی‌های عاقلانه‌تری در دوران کمال و بزرگسالی می‌گردد. دوستی‌هایی که بر اساس علاقه و اعتماد متقابل استوار باشد، اولین احساس نوع دوستی را در نوجوان ایجاد می‌کند (موریس دبس، ۱۳۳۵، ص ۵۷).

همان‌طور که اشاره شد اگر والدین، با محبت و عواطف و احترام با نوجوانان خود در تعامل نباشند و شخصیت آن‌ها را تحقیر و خرد کنند، دیگر نوجوانان به والدین اعتماد نخواهند کرد. وقتی اعتماد و رفاقت و صمیمیت در بین والدین و نوجوان وجود نداشته باشد راه کارهای تربیتی اجرایی نمی‌گردد و مخالفت نوجوان با والدین بیشتر خواهد شد. در این صورت نوجوان از خانه و خانواده بیزار می‌شود و به دوستان و همسالان خود پناه می‌برد.

اگر دوستان و همسالان او مناسب و سالم باشند تا حدودی از آسیب‌ها در امان است. اگر برخی از دوستان و همسالان او ناباب و بزه‌کار باشند، به احتمال قوی بزه‌کار می‌شود. به دلیل این‌که در خانه رفاقت و صمیمیت و محبت نمی‌بیند آن‌گاه باید تخلیه روانی شود و انرژی‌های اضافی را مصرف کند. باید دست به کارهایی بزند ولو خلاف و بزه باشد. اما اگر والدین راهنمای مهربان و خوبی برای نوجوان باشند، تخلیه روانی و انرژی‌های نوجوان در راه مثبت و برنامه‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، علمی، معنوی و ارزش‌ها انجام و مصرف خواهد شد.

برای پیش‌گیری از هراس اجتماعی و تقویت اعتماد به نفس در نوجوانان آموزش مهارت‌های اجتماعی برای نوجوانان بسیار لازم و کاربردی است. روان‌شناسان اجتماعی می‌گویند: از آن‌جا که روابط هم‌سالان در دوره نوجوانی بسیار حیاتی است، افراد در این دوره از خانواده فاصله می‌گیرند و احتمال بسیار وجود دارد که در این هنگام، هراس اجتماعی کاملاً ترسناک شود و شخص برای محافظت خود از تحقیر و ناراحتی، کاملاً از آن‌ها دوری می‌گزیند. نوجوان تنها و ترسو ممکن است به این نتیجه برسد که زندگی نومیدکننده است. این احساس نومیدی گاهی ممکن است به خودکشی بیانجامد. برخی از ویژگی‌های افراد دارای مهارت‌های اجتماعی خوب، به طور خاص در تحقیقات شناسایی شده‌اند. مثلاً یک نوجوان دارای مهارت اجتماعی، صمیمی و دارای حرمت نفس بالاست. به ندرت با عصبانیت واکنش نشان می‌دهد و به راحتی با دیگران سخن می‌گوید. در مقابل فرد بدون مهارت اجتماعی، خجالتی، دارای حرمت نفس پایین و هنگام برخورد با غریبه کمروست (مسعود آذربای‌جانی و دی‌گران، ۱۳۸۷، ص ۲۸۷ و ۲۸۸).

پژوهش‌گران دریافته‌اند دانشجویانی که در روابط اجتماعی موفق بوده‌اند، وظایف بین فردی را متفاوت از کسانی که ناکام بوده‌اند ادراک می‌کنند. هماهنگی با تحقیقات دیگر در گروه دانشجویان هم‌چنین از راهبردهای متفاوتی در تعامل با دیگران استفاده می‌کردند. به ویژه دانشجویان فاقد مهارت‌های اجتماعی، موقعیت اجتماعی را به صورت منفی ارزیابی می‌کردند و همراه با اضطراب اجتماعی به آن واکنش نشان می‌دادند (همان).

نقش خانواده در فرایند اجتماعی شدن

خانواده یک واحد اجتماعی است که بیش‌ترین تأثیر بر رشد فردی و اجتماعی افراد دارد. والدین از طریق ارائه الگوها، ملاک‌ها، معیارها و پاداش‌ها در رشد شناختی و مفهوم خود، کسب هویت و همانندسازی جنسی نقش دارند. اما نقش خانواده در سال‌های اول زندگی یعنی در دوران کودکی اول و دوم از نقش رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی و هم‌سالان و مدارس بیشتر است. ولی به نظر می‌رسد که در دوره نوجوانی نقش محوری خانواده در رشد فردی و اجتماعی به خصوص در اجتماعی شدن کم‌تر می‌شود. زیرا نوجوان با عوامل متعددی برخورد می‌کند. در عصر حاضر که اطلاعات و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در حال ارتقاء و افزایش است و نقش

تربیتی خانواده را تحت الشعاع خود قرار داده و توجه نوجوان بیشتر به گوشی و اینترنت و فیس بوک و تلگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی متمرکز می‌شود، دیگر حوصله این را ندارد که در کنار پدر و مادر بنشیند و سخنان آن‌ها را گوش دهد و به اجرا در آورد. از صبح تا شب باران واژه، انواع و اقسام مطالب از طریق فیس بوک و تلگرام و سایر شبکه‌ها، نه فقط مطالب و واژه‌های مثبت و منفی، بلکه با تصویر و یا همراه تصویر در موضوعات مختلف می‌بارد. گذشته از مطالب مذهبی و علمی و مفید، متأسفانه مطالب و محتوای مضر و منفی و غیراخلاقی زیادی هم وجود دارد که بدون تردید، تربیت نوجوانان و خانواده‌ها را تهدید می‌کند.

اگر والدین می‌خواهند در تربیت نوجوان موفق باشند، باید با نوجوان خود هم‌دل و هم‌درد باشند و با نوجوانان خود روش رفاقت و صمیمیت و صداقت را در پیش بگیرند تا آن‌ها جذب شوند. پدر و مادر برای نوجوان باید محبوب، مهم و تکیه‌گاه قابل اعتمادی باشد که هیچ کسی مثل آن‌ها پیدا نشود، در این صورت نوجوان به سخنان والدین گوش جان می‌سپارد. چون والدین را کانون محبت و مهربانی و هم‌دردی تصور می‌کند. والدین باید از تمسخر و تحقیر و بی احترامی نوجوان به شدت پرهیز کنند. اگر هم گاهی تنبیه لازم باشد با استدلال و منطق و رعایت احترام و ادب سخن بگویند. با رعایت ادب داد بزنند، سخن کنایه و تحقیر کننده نگویند تا نوجوان احساس امنیت کند و بداند که تحقیر نمی‌شود و احساس کند شخصیت او خرد نمی‌شود. به طور کلی ارتباط دوستانه با حفظ احترام نوجوان یکی از مهم‌ترین ابزار و روش‌های تربیتی است که والدین باید رعایت کنند.

به عقیده روان‌شناسان، یکی از مهم‌ترین عامل مؤثر در بزه‌کاری، روش تربیتی نارسا یا اختلال در شبکه ارتباطی خانواده می‌باشد. تقریباً تمام پژوهش‌ها نشان داده‌اند والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند یا آن‌هایی که از نظر روانی یا فیزیکی از فرزندان خود سوء استفاده می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که فرزندان بزه‌کار داشته باشند (اسماعیل بیابانگرد، روان‌شناسی نوجوان، ص ۲۸۰).

همان‌طور که اشاره شد اگر کودک و نوجوان بیش از حد معمول تحقیر شود و محبت نبیند، احساس می‌کند کسی او را دوست ندارد و خود را بی ارزش تلقی می‌کند، آن وقت برای انتقام از والدین و جامعه دست به کارهای خلاف می‌زند و بزه‌کار می‌شود و راه انحراف را در پیش می‌گیرد. روان‌شناسان می‌گویند: نوجوانان بزه‌کار احساس می‌کنند که کسی آن‌ها را دوست ندارد و خود

را بی‌ارزش می‌دانند. عشق ورزیدن و محبت کردن به این کودکان و نوجوانان از نیازهای ضروری آنان در پیش‌گیری از بزه‌کاری می‌باشد، لذا باید علّت آن را شناخت و از بین برد. کسب یک هویت موفق به وسیله نوجوان که به دنبال چشیدن طعم موفقیت ایجاد می‌شود، به نوجوان احساس ارزش‌مندی می‌دهد. یکی از عوامل بازدارنده بزه‌کاری، اخلاق است. اگر نوجوان ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای اخلاقی را خوب درک کند به بزه‌کاری گرایش پیدا نمی‌کند. پس لازم است که پدر و مادر به مسائل اخلاقی اهمیت دهند. والدین باید مسائل اخلاقی را در رفتارشان نمایان سازند تا کودک و نوجوان به طور غیرمستقیم از رفتار آنان نکات اخلاقی را یاد بگیرند. والدین باید به نوجوانان خود قضاوت اخلاقی در مورد رفتارها را آموزش دهند و خود نیز به آن عمل کنند (همان، ص ۲۸۴).

روانشناسان، والدین مسئولیت‌پذیر و کسانی را که در فکر تربیت فرزندان‌شان هستند به چند نکته توصیه می‌کنند:

۱. با کودک و نوجوان ارتباط گرم و عاطفی برقرار کنند.
۲. برای نوجوان ارزش قائل شوند و از به کار بردن صفاتی که بی‌ارزشی را القاء می‌کند، پرهیز کنند.
۳. در حل مسائل به جای پرخاش‌گری، برخورد منطقی داشته باشند تا برای نوجوانان الگو شود.
۴. نوجوان را از توجه به لذّات زودگذر منع کنند و نظر آنان را به لذّات دراز مدت و منطقی جلب کنند.
۵. زمینه استفاده از تفریحات سالم و ورزش‌های مناسب را برای فرزندان خود فراهم کنند.
۶. از تنبیه نوجوانان پرهیز کنند و از پاداش‌های مناسب در مقابل رفتارهای مطلوب استفاده نمایند.
۷. از تماشای فیلم‌های غیراخلاقی توسط کودکان و نوجوانان جلوگیری به عمل آورند (همان، ص ۲۸۵).

بخش چهارم: رفتار اجتماعی در نوجوانی

رفتار نوجوان با رفتار دوران کودکی متفاوت است. والدین متوجه می‌شوند که فرزند آنها دیگر آن پسر بچه یا دختر بچه قبل نیست. جسور و گاهی عصیان‌گر، زرنگ و منطقی شده است. دنیای

تفکر نوجوانان متحول می‌شود و ادراک او از موقعیت تغییر می‌یابد. او عقاید شخصی خود را بیش از پیش محکم‌تر و روشن‌تر بیان می‌کند. نوجوان مخصوصاً محکم‌ترین عقیده خود را هر روز با دوستانش در میان می‌گذارد و برای تأیید آن دلیل می‌آورد (جیمز و ندر زندن، ترجمه: حمزه گنجی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۸).

۱. احساس هویت

نوجوانان سعی می‌کنند خود و هویت خود را نشان دهند. به همین دلیل خلق نوجوانان نوسان دارد. روان‌شناسان رشد معتقدند که جستجوی هویت به دلایل مختلف سرنوشت‌ساز است. تغییرات جسمی سریعی را تحمل می‌کند و شیوه تفکر او دگرگون می‌شود. او باید درباره ادامه یا ترک تحصیل تصمیم بگیرد و بر حسب مورد شغلی را به دست آورده یا دوره‌ای را ببیند (همان).

هویت چیست؟

اریک اریکسون فردی که در دانش ما از مفهوم هویت نقش به‌سزایی دارد، هویت را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند. یعنی علی‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این او می‌گوید: این احساس که ما چه کسی هستیم باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند نسبتاً هم‌خوان باشد. این مسأله بر اعتقاد اریکسون در اهمیت رابطه بین خود و جامعه تأکید دارد (اسماعیل بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴). کارول گاردو و جانیس بوئن، خاطر نشان می‌سازند که حداقل چهار مسأله اساسی در احساس فردی هویت وجود دارد:

۱. انسانیت، این احساس که فرد یک موجود انسانی است.
۲. جنسیت، احساس فرد از مردانگی و زنانگی است.
۳. فردیت، این شناخت که فردی خاص و بی‌نظیر است.
۴. پایداری، این آگاهی که فرد همان شخصی است که روز قبل بوده است. از این رو رشد احساس هویت مستلزم این است که یک فرد دریابد که او دارای هویت بی‌نظیر و واحدی است. زن و یا مردی است جدای از دیگران و به‌طور کلی شبیه هیچ فرد دیگری نیست (همان).

۲. راه حل بحران هویت

طبق نظریه اریکسون، بحرانی را که نوجوانان با آن مواجه می‌شوند، هویت در مقابل سرگردانی از نظر او نقش اجتماعی نام دارد. سرگردانی در هویت و نقش اجتماعی، اغلب به این صورت تجربه می‌گردد که نوجوان نمی‌داند کیست و چه نقشی در اجتماع دارد. برای چه به دنیا آمده است، به کجا خواهد رفت و چه کاره خواهد شد. با این توصیف، باید در نظر داشت که حل بحران هویت دارای طیفی است که در یک سوی آن کسب هویت و در سوی دیگر آن سرگردانی و بلا تکلیفی است (همان، ص ۱۲۶).

مارسیا می‌گوید: بدیهی است که اگر تکلیف مرتبط با رشد، نظیر کسب هویت در نوجوانی با موفقیت انجام شود ایفای نقش‌های بزرگسالان آسان‌تر است. با این حال هیچ قانون روان‌شناختی وجود ندارد که اگر این تکلیف تا سن خاصی انجام نشود، هرگز با موفقیت انجام نخواهند شد. به نظر می‌رسد افرادی که نوجوانی را پشت سر گذاشته‌اند باز هم می‌توانند تجاربی را انتخاب کنند که رشد آن‌ها را در زمینه‌هایی که نیاز به صلاحیت بیشتری است را فراهم سازد. روان‌درمانی نیز می‌تواند این فرصت را فراهم سازد. امکان توانایی بالقوه برای رشد ظاهراً همیشه وجود دارد گرچه گاهی اوقات مشکل است و افراد ممکن است از مزایای آن بی‌بهره بمانند (همان).

از نظر مارسیا، یکی از عواملی که به رفع بحران هویت در جامعه کمک می‌کند حاکمیت مذهب است. او می‌گوید مذهب به تمام سؤالات پاسخ می‌گوید. آن‌چه مطالعات مختلف نشان داده است این است که حاکمیت مذهب در جامعه به رفع بحران هویت کمک می‌کند و در جوامعی که مذهب وجود ندارد نوجوانان بحران شدیدتری را تجربه می‌کنند چرا که مذهب به مهم‌ترین سؤالات نوجوانان یعنی از کجا آمده‌ام؟ چه کسی هستم؟ به کجا خواهم رفت؟ و چه کار باید بکنم؟ پاسخ می‌دهد (همان ص ۱۲۶).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نقش خانواده در بعد رفتاری فردی و اجتماعی شخصیت کودک و نوجوان که شامل شخصیت سالم، عوامل مؤثر در رشد شخصیت، رشد اجتماعی در دوره‌ی کودکی، رفتار اجتماعی در دوره‌ی

نوجوانی و عوامل مؤثر در رشد و تکامل نوجوانان می‌شود نقش سرنوشت‌سازی خواهد بود.

ارتباط متقابل شخصیت سالم با عوامل رشد شخصیت این است که اگر خود عوامل سالم باشند و طبق ملاک و معیار در جریان باشند، شخصیت کودک و نوجوان با تأثیر از این عوامل به‌صورت سالم شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. یا به تعبیر دیگر ارتباط متقابل کودک و نوجوان با عوامل رشد شخصیت، در این است که اگر عوامل سالم باشند و جامعه یک جامعه سالمی باشد، بر رفتار و گفتار و شکل‌گیری رفتاری شخصیت کودک و نوجوان تأثیر مثبت می‌گذارند و اگر سالم نباشند، تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در نتیجه سلامت اخلاقی، روحی و روانی خانواده و سالم بودن سایر عوامل، در شکل‌گیری شخصیت، رفتار و تربیت مطلوب و رفتار فردی و اجتماعی کودک و نوجوان تأثیر خوب و مثبت می‌گذارند. اگر غیر از این باشد نتیجه تابع عوامل موجود خواهد شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۷)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. احمدی، احمد. (۱۳۸۲)، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان: انتشارات مشعل.
۴. الموسوی الخمینی، روح الله. (۱۴۰۸)، تحریر الوسیله، الجزء الثاني، قم: موسسه اسماعیلیان، چاپ سوم.
۵. الیزابت بی، هارلوک. (۱۳۹۴)، درآمدی بر روان‌شناسی شخصیت با تأکید بر تحلیل عوامل مؤثر بر رشد شخصیت، ترجمه: پرویز شریفی، تهران: آوای نور.
۶. سبحانی‌فرد. (۹۱-۹۲)، اولین جلسه آموزشی خانواده با موضوع تحولات زیستی - روانی - اجتماعی نوجوانان، مجتمع آموزش غیر دولتی نور ایمان.
۷. بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۶)، روان‌شناسی نوجوانان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۴، قم: موسسه آل البیت.
۹. حیدری، اکرم. (گیتی). (۱۳۷۲)، روان‌شناسی رشد و اختلالات روانی رایج در کودکان.
۱۰. دبس، موریس. (۱۳۳۵)، چه می‌دانم، بلوغ، ترجمه: حسن صفاری، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. رالف موس. (۱۳۷۵)، نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی، مترجم: ترجمه صدیقی و همکاران، تهران: انتشارات عطایی.
۱۳. سوسن سیف و دیگران. (۱۳۸۳)، روان‌شناسی رشد (۱)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).
۱۴. سیدنی، جرارد. (۱۳۸۷)، شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی انسان گرا، مترجم: فرهاد منصف، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، چاپ اول.

۱۵. شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، دنیای نوجوان، تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ هفتم.
۱۶. شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۸)، روان شناسی رشد، تهران: موسسه اطلاعات.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸)، امالی، ترجمه: حسن‌زاده، قم: انتشارات اندیشه هادی.
۱۸. کارول، براون. (۱۳۹۳)، روان شناسی رشد، مترجم: علی اکبر دهکردی، تهران: نشر روان.
۱۹. کرانباخ، لی. جی. (۱۳۵۱)، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه: رضوی، تهران: انتشارات دهخدا.
۲۰. لنگرودی، محمدجعف. (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، چاپ دوم، نشر گنج دانش.
۲۱. ماریانا کتی. (۱۳۹۳)، رشد مهارت‌های اجتماعی، رفتاری و هیجانی کودکان، ترجمه: مژگان حیاتی، تهران: نشر دانژه.
۲۲. معیری، محمد طاهر. (۱۳۷۸)، بچه‌های خوب، پرورش بد، تهران: امیر کبیر.
۲۳. وندر زندن، جیمز. (۱۳۸۵)، روان شناسی رشد، ترجمه: حمزه گنجی، تهران: مؤسسه نشر ساوالان، چاپ دوم.